

چکیده

بعد از تصویب «قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر» به عنوان اصلی ترین قانون مجلس شورای اسلامی در حوزه امر به معروف و نهی از منکر (مصوب ۱۳۹۴)، این انتظار می رفت که این امر گامی اساسی در راستای اجرائی سازی اصل هشتم قانون اساسی باشد. ولیکن در واقعیت این مصوبه صرفاً یکی از ابعاد اصل هشتم قانون اساسی را آن هم تنها از جنبه حمایت از آمران و ناهیان پوشش می داد. لذا این قانون اگر چه در حمایت از آمران و ناهیان و احقاق حقوق آنها موفق عمل کرد؛ ولی به خاطر داشتن نواقص و مشکلات متعدد، در مجموع تأثیر لازم و کافی را برای رواج امر به معروف و نهی از منکر به همراه نداشت. این پژوهش کاربردی (برای دستگاه های مقنن و متولی) در تلاش است با استفاده از روش تحلیل استنتاجی - استنباطی، به بررسی این مسئله بپردازد که «قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر» با توجه به آن که سالانه هزینه های زیاد مالی و انسانی به آن اختصاص داده شده است؛ نظر به اصل هشتم قانون اساسی، با چه آسیب ها و نواقصی مواجه است؟ یافته های پژوهش نشان داد که ضعف محتوایی، نگاه محدود به گسترده امر به معروف و نهی از منکر، ضعف ساختار اجرائی، ناکارآمدی ترکیب اعضای ستاد مرکزی و عملکرد ضعیف ستادهای استانی و فقدان ضمانت اجرائی از مهم ترین عارضه ها و نقایص قانون و عوامل اصلی عدم اجرائی سازی این قانون می باشند.

■ واژگان کلیدی

امر به معروف، نهی از منکر، قانون حمایت از آمران و ناهیان، اصل هشتم قانون اساسی.

آسیب شناسی «قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر» با نظر به اصل هشتم قانون اساسی

محمد جواد ولی زاده

عضو هیئت علمی دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

(mj.valizadeh@sccr.ir)

محمد علی دولت

عضو هیئت علمی دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، تهران، ایران

(m.dolat@sccr.ir)

۱. مقدمه و بیان مسئله

اصل هشتم قانون اساسی دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر را از طرفی یک وظیفه همگانی می‌شمارد و از سوی دیگر با ترسیم گستره‌ای وسیع برای آن، امر به معروف و نهی از منکر را در سه بعد: مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت تبیین می‌کند. همچنان که به لحاظ مبانی شرعی، امر به معروف و نهی از منکر دو فریضه الهی بوده و وجود آنها شاخصی برای اسلامی بودن جامعه و ملاک برتری امت اسلامی (آل عمران: ۱۱۰)، یکی از صفات و ویژگی‌های انسان‌های مؤمن (حج: ۴۱-۳۸) و راه انبیاء و صالحان است (الحر العاملی، ۱۴۰۱، ج ۱۶، ص ۱۱۹)؛ بقیه اعمال نسبت به این دو فریضه چون آب دهان، نسبت به دریاست (نهج البلاغه: ح ۳۷۴)؛ امر به معروف و نهی از منکر مسئولیتی همگانی است (فاضل مقداد، ۱۴۰۱، ج ۳، ص ۱۷۰).

به لحاظ مباحث جامعه‌شناختی روز نیز روح امر به معروف و نهی از منکر به همدردی، همبستگی، تعارف و تعاون و احساس مسئولیت و امانت‌داری بازمی‌گردد. چنان که به گفته برخی صاحب‌نظران، مهم‌ترین تضمین برای تحقق عملی حقوق بشر، وظیفه نهی از منکر است (کوک، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۸۱۰).

در واقع همه جوامع برای حفاظت و پاسداری از ارزش‌های مورد قبول خود، سیستم‌هایی دارند و از مواردی که نمی‌پسندند، جلوگیری می‌کنند. به عبارتی، «اهداف عمده این فریضه در نظام‌های حقوقی معاصر به ویژه نظام حقوق بشر نیز نهفته است و بسیاری از نهادهای حقوق بشری کارویژه امر به معروف و نهی از منکر را دارا هستند گرچه در تمامی مصادیق معروف و منکر توافقی وجود ندارد» (طلایی و اصلانی، ۱۳۹۴: ۴۷). پس اصل وجود امر به معروف و نهی از منکر خاص جامعه مؤمنان نیست و صرفاً نگرش، دایره و گستره اهتمام به این موضوع اجتماعی و عقلانی، متفاوت است. گلدزیهر^۱، دو همتای خارج از جهان اسلام را به عنوان شاهدهی در این زمینه ذکر می‌کند؛ یکی سازمان نظام ممیزی در آیین کنفوسیوس در چین و دوم نظام آشناتر ممیزی در دوران جمهوری روم؛ که هر دو سازمان‌هایی مورد حمایت دولت بودند و به معنای دقیق کلمه می‌توان آنها را در ردیف سازمان «حسبه» اسلامی دانست که خود موردی خاص از نهی از منکر است (کوک، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۹۰۰). ابن ابی الحدید نیز اشاره می‌کند که اعراب جاهلی نهی از منکر را می‌شناختند و با استناد به پیمان [حلف الفضول] این موضوع را ثابت می‌کند (ابن ابی الحدید، ۱۳۶۳، ج ۱۹، ص ۳۰۵).

بر همین مبنا، روح این فریضه، نه به دخالت در امور دیگران، بلکه به دخالت در اموری باز می‌گردد که به سرنوشت مشترک آنان مربوط است؛ یا هشدار به دیگران است در انجام یا ترک اموری که مصلحت آنان را به دنبال دارد.

در راستای اجرائی سازی اصل هشتم قانون اساسی، «قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر» در سال ۱۳۹۴ در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید، ولی اجرای آن با مشکلاتی همراه بوده طوری که همواره خود قانون و نیز عملکردهای صورت گرفته، محل بحث و بررسی بوده‌اند.^۱ این تحقیق در نظر دارد مشکلات و نواقص قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر که مانع از اثربخشی و اجرائی سازی این قانون شده‌اند را شناسایی نماید؛ در حالی که سالانه هزینه‌های زیاد مالی و منابع انسانی صرف اجرای این قانون می‌شود و ساختارهایی بر اساس آن شکل گرفته‌اند.^۲ لذا مسئله این تحقیق، آن است که: قانون «حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر» چه آسیب‌ها و مشکلات محتوایی و غیر محتوایی (با نیم‌نگاهی به اصل هشتم قانون اساسی) در بردارد؟

۱. قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر در تیر ۱۳۹۳ از سوی هیأت رئیسه مجلس شورای اسلامی اعلام وصول شد، کلیاتش در ۱۶ مهر همان سال و جزئیاتش در ۲۳ فروردین ۱۳۹۴ به تصویب مجلس رسید. شورای نگهبان در ۲ اردیبهشت ۱۳۹۴ آن را تصویب و رئیس وقت مجلس در ۹ اردیبهشت ۱۳۹۴ آن را برای اجرا به دولت یازدهم ابلاغ کرد، لکن دولت وقت به دلیل آنکه آن را دارای اشکالاتی می‌دانست، از ابلاغ آن استنکاف کرد و رئیس دولت یازدهم در نامه‌ای به مقام معظم رهبری خواستار توقف اجرای قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر برای بررسی ایرادهای مدنظر دولت شد. مقام معظم رهبری نیز نامه را به هیأت حل اختلاف قوا که در سیستم قانون موظف به بررسی موارد اختلافی بین قوای سه‌گانه است، ارجاع می‌دهند و حسب نتیجه بررسی این هیأت، تصمیم به ابلاغ گرفته می‌شود، هرچند در نهایت توسط رئیس مجلس شورای اسلامی - و نه رئیس جمهور - ابلاغ و از ۶ تیر ۱۳۹۴ اجرائی می‌گردد.

۲. علاوه بر ساختار نسبتاً گسترده «ستاد احیاء امر به معروف و نهی از منکر» با بودجه قابل توجه سالیانه، در همه دستگاه‌ها بخشی ولو کوچک متکفل وظایف مربوط به امر به معروف و نهی از منکر کارکنان است که اقداماتی چون برگزاری جلسات، وضعیت‌سنجی، اقدام در راستای مصوبات و وظایف محوله، تدوین گزارش و ارسال به ستاد مرکزی را بر عهده دارد. از سوی دیگر بخش قابل توجهی از توان و زمان مدیریتی و کارشناسی تعداد زیادی از دستگاه‌ها صرف وظایف محوله از سوی ستاد احیاء و سایر دستگاه‌ها همچون مجلس شورای اسلامی و شورای عالی انقلاب فرهنگی در موضوع امر به معروف و نهی از منکر (به‌خصوص مصداق حجاب و عفاف) درخصوص مخاطبان بیرونی (عامه مردم) می‌گردد (مانند آنچه در مصوبه ۴۲۷ شورای عالی انقلاب فرهنگی آمده است) و همه اینها وقتی با همدیگر جمع شوند مستلزم صرف هزینه‌ها و بودجه‌های سنگین است که به دلیل غیرمستقیم بودن غالب آنها، چندان به چشم نمی‌آید. همچنان‌که همه استان‌ها، ستادی با عنوان ستاد استانی امر به معروف و نهی از منکر دارند و فعالیت‌هایی از جنس آنچه گفته شد را انجام می‌دهند. لازم به ذکر است که صرفاً برای یکی از مصادیق امر و به معروف و نهی از منکر یعنی «حجاب و عفاف»، از اول انقلاب ده‌ها قانون و مصوبه وضع و تصویب شده است، چنان‌که اخیراً در یک مجلد نسبتاً قطور، این قوانین گردآوری شده‌اند.

بی‌گمان انجام این پژوهش کاربردی، سبب خواهد شد تا مسیر آینده برای دستگاه‌های ذی‌ربط در بازبینی و اصلاح قانون مزبور روشن شود و ضمن شناسایی بهتر خلأها و مشکلات این قانون از ادامه مسیر پرهزینه و کم‌ثمر فعلی اجتناب شود.

۲. مروری بر «قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر»

«قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر»، مشتمل بر ۲۴ ماده و ۱۹ تبصره است. در این قانون، «معروف» و «منکر» عبارت دانسته شده از هرگونه فعل، قول و یا ترک فعل و قولی که به عنوان احکام اولی و یا ثانوی در شرع مقدس و یا قوانین، مورد امر قرار گرفته و یا منع شده است. «امر به معروف» و «نهی از منکر» در این قانون ناظر به رفتاری است که علنی بوده و بدون تجسس مشخص باشد، مراتب آن نیز طبق رویه متداول در فقه عبارت است از قلبی، زبانی، نوشتاری و عملی که مراتب زبانی و نوشتاری آن وظیفه آحاد مردم و دولت است و مرتبه عملی آن در موارد و حدودی که قوانین مقرر کرده تنها وظیفه دولت است. بر اساس این قانون در اجرای امر به معروف و نهی از منکر نمی‌توان متعرض حیثیت، جان، مال، مسکن، شغل و حریم خصوصی و حقوق اشخاص شد مگر در مواردی که قانون تجویز کند و نمی‌توان به عنوان امر به معروف و نهی از منکر به اعمال مجرمانه از قبیل توهین، افتراء، ضرب و جرح و قتل مبادرت ورزید؛ مرتکب طبق قانون مجازات اسلامی، مجازات می‌شود.

در ماده (۸) این قانون حق دعوت به خیر، نصیحت و ارشاد در مورد عملکرد دولت به مردم داده شده است و طبق ماده (۹) اشخاص حقیقی و حقوقی حق ندارند در برابر اجرای امر به معروف و نهی از منکر مانع ایجاد کنند. ایجاد مانع مستوجب محکومیت، حبس تعزیری یا جزای نقدی درجه هفت می‌شود. ماده (۱۱) نیز قوه قضائیه را به رسیدگی به جرائم موضوع این قانون با تأسیس شعب ویژه مکلف کرده است.

در ماده (۱۰ و ۱۲) با نام بردن از برخی دستگاه‌ها و وظایفی را برای آنها در نظر گرفته و در ماده (۱۴) شکل‌گیری سازمان‌های مردم‌نهاد مطابق اساسنامه آنها در زمینه امر به معروف و نهی از منکر مطابق ماد (۶۶) قانون آیین دادرسی کیفری و تبصره‌های آن پیش‌بینی شده است.

در ماده (۱۶) جهت اجرای این قانون برای ستاد امر به معروف و نهی از منکر ۱۲ وظیفه مانند سیاست‌گذاری، آسیب‌شناسی، تعیین الگوهای رفتاری، زمینه‌سازی مشارکت

مردمی، رصد اقدامات، تدوین راهبردهای آموزشی، آموزش و پژوهش و ترویج فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر، شناسایی ظرفیت‌ها، حمایت از اقدامات قانونی و ارائه گزارش سالانه به مقام معظم رهبری و قوای سه‌گانه پیش‌بینی شده است و در ماده (۱۹) اعضای ستاد در سه رده کشوری، استانی و شهرستانی تعیین شده‌اند. بر اساس آن یکی از ائمه جمعه موقت تهران ریاست ستاد را بر عهده خواهد داشت و برخی وزارتخانه‌ها و رئیس صدا و سیما، سازمان تبلیغات فرماندهی نیروی انتظامی، رئیس بسیج دبیر ستاد ائمه جمعه عضو این ستاد خواهند بود و متناظر آن ستادهای استانی و شهرستانی تشکیل می‌شود. در مواد پایانی نیز بر ارائه گزارش به مراجع ذی‌ربط تأکید شده است. پس از ابلاغ قانون از سوی مجلس اشکالات و ایراداتی بر این قانون گرفته شد ولی در نهایت مقرر گردید قانون اجرا و اصلاح شود. تدوین قانون جامع امر به معروف و نهی از منکر نیز پیگیری شود.

۱۳۱

۳. فلسفه وضع «قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر»

بحث امر به معروف و نهی از منکر به عنوان زیربنایی‌ترین عنصر شکل‌گیری جامعه دینی سال‌هاست که به بحث جدی در ادبیات سیاسی و دینی اجتماعی تبدیل شده است. گاهی مشاهده می‌شود که آمرین و ناهیان از سوی مخاطبان مورد ضرب و شتم قرار می‌گیرند، چنان‌که طی چند سال اخیر شاهد باز شدن پرونده‌های بسیاری از ضرب و جرح آمران به معروف و ناهیان از منکر بوده‌ایم و از ابتدای انقلاب تا اواسط سال ۱۳۹۲ هشتاد و پنج جانباز امر به معروف و ناهی از منکر گزارش شده است (خبرگزاری ایسنا). در بهار سال ۱۳۹۰ اخباری مبنی بر مضروب شدن روحانی آمر به معروف مخابره شد؛ که شدت جراحات وارده و ضربه آن قدر شدید بود که چشم چپ این روحانی تخلیه شد و چند روز بعد هم امام جماعت دانشگاه علوم پزشکی تهران در آستانه نابینایی چشم راست خود قرار گرفت. در تیر ماه همین سال نیز در یکی از محلات شرق تهران جوان ۱۹ ساله‌ای مورد ضرب و شتم قرار گرفت که پس از سه سال تحمل درد و رنج، جان خود را به دلیل جراحات وارده از دست داد. در تیرماه سال ۱۳۹۲ نیز بانوی محجبه‌ای پس از امر به معروف مورد ضرب و شتم قرار گرفت. اینها موارد محدودی است که در رسانه‌ها منتشر شده و بخش زیادی از این اتفاق‌ها در دانشگاه‌ها و اماکن فرهنگی و عمومی و غیره وجود دارند که در هیچ جا نشر پیدا نمی‌کند.

در خصوص امر به معروف و نهی از منکر در اصل هشتم قانون اساسی آمده است: «در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت، شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می‌کند». امام خمینی نیز در سال ۱۳۵۸ به شورای انقلاب ضمن پیامی تشکیل اداره‌ای مستقل از دولت که دارای شعبی در کل کشور بوده و ناظر بر تمامی اعمال دولت اسلامی و تمام اقشار مردم است را خواستار می‌شود (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۹، ص ۲۱۳). در سال ۱۳۷۲ مقام معظم رهبری نیز در راستای اجرایی کردن اصل هشتم قانون اساسی فرمان تأسیس ستادی با عنوان «ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر» را صادر می‌کنند و در سال ۱۳۸۳ در قوه قضائیه آیین‌نامه‌ای تحت عنوان «آیین‌نامه ستاد پیشگیری و حفاظت اجتماعی» به تصویب می‌رسد؛ که عمده وظیفه این ستاد در حوزه امر به معروف و پیشگیری از جرم بوده است. در سال ۱۳۸۴ نیز مصوبه‌ای تحت عنوان «راهنماهای اجرای گسترش فرهنگ عفاف و حجاب» توسط شورای فرهنگ عمومی تهیه و به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رسید و در سال ۱۳۸۹ برای بررسی تخصصی امر به معروف و نهی از منکر پژوهشکده‌ای زیر نظر ستاد احیاء در قم تأسیس می‌شود.

با گذشت زمان و بروز حوادث ناگوار در اجرای امر به معروف و نهی از منکر و ناکافی بودن ضوابط موجود، مجلس شورای اسلامی در چند نوبت (تاریخ‌های ۸۹، ۳۰۲ و ۹۱، ۴۰۲۰) به ارائه طرح یک فوریتی حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر اقدام می‌کند. این طرح با عنوان «طرح امر به معروف و نهی از منکر» در مجلس شورای اسلامی اعلام وصول شد که به نتیجه نرسید. در تاریخ ۹۳، ۷، ۱ بار دیگر نمایندگان مجلس طرحی را با عنوان «حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر» با قید دو فوریت مطرح کردند که با یک فوریت آن موافقت شد و قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر در جلسه علنی مورخ ۹۴، ۱۰، ۲۳ به تصویب نهایی رسید و در تاریخ ۹۴، ۲، ۲ شورای نگهبان آن را تأیید کرد و در تاریخ ۹۴، ۲، ۹ از سوی رئیس مجلس به رئیس‌جمهور ابلاغ شد. در واقع برای رفع برخی مشکلات فرهنگی، وضع قوانین مربوطه در دستور کار مجلس قرار می‌گیرد و نیروهای انتظامی در چندین نوبت عزم خویش را برای مبارزه با مظاهر فساد جزم می‌کنند و موعظه و نصیحت نیز مکرر توسط متولیان دینی و سیاسی و علمای اخلاقی و تربیتی صورت می‌پذیرفت؛ مع‌الوصف این اقدامات اثربخشی خاصی نداشت و

تأسیس ستاد امر به معروف و نهی از منکر و تدوین قوانین مختلف مرتبط با این موضوع صورت پذیرفت؛ که در آخرین اقدام «قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر» از سوی مجلس شورای اسلامی تصویب، ابلاغ و مقرر شد.

۴. پیشینه پژوهش

این تحقیق در نوع خود بدیع است ولیکن در برخی از مطالعات صورت گرفته به بخش‌ها و ابعادی از این موضوع پرداخته شده که در ادامه آمده است.

بابائی در گزارشی تحت عنوان «الزامات حقوقی و قانونی اجرایی شدن اصل هشتم قانون اساسی» که به همت مرکز پژوهش‌های مجلس انجام شده نشان داد که اقدامات صورت گرفته با محتوای اصل هشتم قانون اساسی، منطبق نبوده است و دلیل آن نه تنها نحوه اجرای قوانین پراکنده مصوب، بلکه نبود وجود قانونی جامع است که بتواند هر سه بعد مندرج در قانون اساسی را در نظر گیرد. البته باید توجه داشت تحقق اصل هشتم در هر یک از ابعاد سه‌گانه مقدمات و لوازم متناسب را می‌طلبد، اما در مورد اینکه آیا نهادی مستقل باید برای اجرای فریضه امر به معروف و نهی از منکر ایجاد شود، تردید وجود دارد و به نظر می‌رسد نهادهای فرهنگی، نظارتی و اجرایی فراوان و مرتبط با این موضوع وجود دارند که ادغام آنها با یکدیگر نه ممکن و نه مطلوب است، بنابراین می‌توان با تأسیس «سازمان هماهنگی امر به معروف و نهی از منکر»، زمینه اقامه این فریضه را با پیش‌بینی ارتباطات کارآمد با سایر نهادها فراهم کرد. این محقق در نهایت برای اقامه فریضه امر به معروف و نهی از منکر، پیشنهاد می‌دهد که تشکیل نهاد و سازمانی ویژه برای ایجاد هماهنگی بین نهادهای مختلف و مرتبط برای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی، نظارت بر عملکرد و پیگیری مطالبات مردم و مسئولان و نه برای حضور مستقیم در اجرا، ضروری تلقی می‌شود (بابائی، ۱۳۹۸).

جعفری و قدرتی در پژوهشی با عنوان «ابهامات قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر مصوب ۱۳۹۴» با رویکرد تحلیلی به بیان ابهامات و چالش‌های قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر پرداخته‌اند. یافته‌های تحقیق حاکی است که اگر چه هدف قانون‌گذار از این قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر بوده، اما در این مسیر علاوه بر بحث حمایتی، مباحث و مقدماتی را مطرح کرده که موجب ابهامات فراوان حقوقی شده است. این پژوهش کوشیده است ضمن بیان و تحلیل ابهامات موجود، در جهت حل آنها گام‌هایی را نیز بردارد (جعفری و قدرتی، ۱۳۹۴).

مقاله «بررسی جامعه‌شناختی قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر»، به بررسی موضوع امر به معروف و نهی از منکر با رویکرد جامعه‌شناختی می‌پردازد. این مقاله از منظر جامعه‌شناختی ابعاد اجتماعی و فرهنگی قانون را تحلیل کرده و بر لزوم توجه به عناصر کنش‌گرایانه و ساختارگرایانه در روابط بین فردی و نظارت عمومی تأکید می‌کند. همچنین، به اقتضائات اخلاقی و قانونی در این روابط پرداخته و به غلبه فقه فردگرایانه و تأثیر آن بر عواملی چون احساس مسئولیت‌های فردی و زیرساخت‌های اجتماعی اشاره دارد. به طور کلی، نویسندگان سعی دارند با تأکید بر اهمیت توجه به ساخت‌های اجتماعی و کنش‌های فردی، یک چارچوب فکری مناسب برای درک بهتر این قانون ارائه دهند (خیری، ۱۳۹۴).

مظهری و قندهاری در پژوهشی با عنوان «بررسی جایگاه آمران به معروف و ناهیان از منکر در قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر» در پی پاسخ به این سؤال بودند که آمران به معروف و ناهیان از منکر چه جایگاه و حدود و اختیاراتی را در نظام حقوقی کشور و به‌خصوص در قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر دارند؛ فلذا با روش توصیفی و تحلیلی، ضمن تبیین جایگاه، حدود و اختیارات آنها در حقوق موضوعه جمهوری اسلامی ایران به نقد و بررسی قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر و شرایط اجرای آن، از جمله: علنی بودن رفتار و عدم تجاوز به حریم خصوصی، عدم اقدام عملی برای آمر و ناهی، عدم توسل به اعمال مجرمانه و تعلیم و تعلم پرداخته‌اند (مظهری و قندهاری، ۱۳۹۵).

۵. چارچوب مفهومی

چالمرز جانسون^۱ به نظم اجتماعی با توجه به عنصر ساخت توجه می‌کند؛ به اعتقاد او اجزای متشکله یک نظام اجتماعی نمونه‌های رفتاری است که بر مبنای توقع و انتظار رفتار مشابه سایرین بروز می‌کنند. این اجزا شامل تکالیفی است که بین اعضای جامعه توزیع شده و از آنها به‌عنوان «نقش‌های اجتماعی» نام برده می‌شود. نقش‌ها را هنجارهای اجتماعی مشخص می‌کنند، هنجارها قواعد مثبت حاکم بر رفتارها هستند و خصوصیت نقش‌های مختلف را تعیین کرده و خود یا توسط روند قانون‌گذاری ایجاد می‌شوند، یا ناشی از آداب و رسوم‌اند، یا در هر دو ریشه دارند. هنجارها، مشتق از ساخت ارزشی یک

1. Chalmers Johnson

نظام اجتماعی و جزئی از آن به شمار می‌روند، از این رو ارزش‌ها را ثبات و استحکام می‌بخشند. تعادل یک نظام اجتماعی وابسته به درجه سازگاری بین هنجارها و تقسیم‌کار در آن است و از آنجا که این دو عامل تعیین‌کننده ساخت نظام جامعه نیز هستند تغییر در آنها به تحول در ساخت اجتماعی منجر می‌شود، یک نظام اجتماعی سالم می‌تواند ساخت خود را بدون برهم خوردن حالت تعالی خود تغییر دهد (جانسون، ۱۳۶۳: ۴۱-۳۱). زتومکا^۱، منشأ وحدت فردی و اجتماعی را عمدتاً آرمانی و هنجاری ساخت اجتماعی می‌داند. ایشان همچنین محرک اولیه تغییر در تحلیل نهایی را خلاقیت انسانی می‌داند. از این منظر، نظم اجتماعی محصول آرمان‌های مشترک (ارزش‌شناسی، وجودشناسی، تکلیف‌شناسی و زیبایی‌شناسی)، هنجارهای مشترک (هنجارهای اخلاقی، اجتماعی، رویه‌ای)، تعامل مشبک (روابط گفتاری، اجتماعی، سیاسی، مبادله) و مواضع اجتماعی مشبک (ذهنیت، نقش اجتماعی، رتبه و سرمایه اجتماعی) است. پس نظم اجتماعی نتیجه نفوذ متقابل مجموعه‌های مشترک آرمانی و هنجاری با شبکه‌های فرصتی و تعاملی کنشگران فردی و جمعی است (چلپی، ۱۳۷۶: ۳۶-۳۵).

اندیشمندان مسلمان مانند فارابی نیز مدینه فاضله ترسیمی خود را بر چند رکن بنا کرده‌اند که عبارت‌اند از: آگاهی و معرفت آحاد جامعه، تعاون، سعادت، عدالت، محبت و رهبری؛ بر این اساس آمیختگی و هماهنگی حکمت نظری و حکمت عملی تمایز این جامعه از جوامع غیر فاضله است. به عبارت دیگر در این جوامع شناخت نسبت به مصالح و مفاسد برای آحاد افراد جامعه وجود دارد و آحاد جامعه بدان پایبند هستند، فارابی به ارزش‌های مشترک در چارچوب محبت و عدالت توجه می‌کند و بر این باور است که عامل اصلی همبستگی، محبت، استقرار و استمرار آن در گرو عدالت است. محبت و دوستی موجب پیوند آحاد جامعه شده و عدالت موجب پویایی و استمرار آن می‌شود (رجبی، ۱۳۷۸). شهید صدر نیز با بیان نظریه استخلاف بر آن است که لازمه خلیفه الهی بودن آدمی آن است که اولاً انسان، مسئولیت‌پذیر باشد و ثانیاً خود را امانت‌دار بداند و این دو عنصر او را به سوی آزادی در رفتار و حریت هدایت می‌کند (حکیم، مجتمعنا: ۱۸۹-۱۸۶).

آنچه از این رویکردهای نظری و آموزه‌های اسلامی استفاده می‌شود این است که: الف. در جامعه اسلام کنشگر، قوام جامعه است. اسلام جامعه توده شده و بی تفاوت را برنمی‌تابد. پس فرهنگ‌سازی باید بر مبنای معرفت‌افزایی و آمادگی حضور فعالانه و مسئولانه افراد صورت پذیرد.

ب. اسلام آنچه را موجب اختلال در نظم عمومی و تضییع حقوق آحاد جامعه شود بر نمی‌تابد از این نظر اقدامات فردی جای خود را به قانون‌گرایی و التزام می‌دهد. این نظام با شریعت سهله و سمحه به معنای آسان و سهل و با قواعدی چون قاعده لا حرج، لا ضرر، ید، سوق مسلمین، اصاله البرائه، حمل فعل مؤمن بر صحت، زمینه تحقق عقلانی می‌یابد. ج. جامعه از نهادها و سازمان‌های مختلفی شکل یافته که برخی چون نهادهای مذهبی مانند مسجد، قاعده رفتار اخلاقی بر آن حاکم است و برخی چون بازار؛ حساب، کتاب و قانون ضامن بقای آن است و برخی نیز چون سازمان‌های انتظامی و نظامی، قاعده الزام و اجبار بر آن حاکم است. پس امر به معروف به‌عنوان تکلیفی شرعی و فردی مبتنی بر حساسیت نسبت به معروف‌ها و منکرات در شاکله نمونه سازمانی اول حضور دارد. ولی در نمونه دوم و سوم اساساً قوانین و الزامات، تضمین‌کننده نظم سازمانی است و این دو فریضه به‌عنوان تکلیف همگانی مکمل آن ضوابط و قوانین الزامی لحاظ می‌شود.

چهارم: برقراری نظم عمومی پایدار مستلزم هماهنگی نظام هنجاری - اخلاقی بر مدار محبت و نظام حقوقی بر مدار قانون و عدالت است.

د. ساختار متفاوت جوامع، مستلزم تفاوت در اقدام است. در جامعه دارای تعلقات اجتماعی قومی و قبیله‌ای ملتزم‌سازی افراد با بهره‌گیری از کنترل‌های غیررسمی و اقتدار برخی افراد قابل تحقق است؛ درحالی که در جوامع امروزی تعلقات قومی - عشیره‌ای و اثربخشی کنترل‌های غیررسمی کاهش یافته و کمتر می‌توان با بهره‌گیری از امور اخلاقی، اصلاح رفتاری ایجاد کرد. ولی نقش کنترل‌های رسمی - سازمانی و تعلقات تشکیلاتی و حزبی و سازمان‌های مردم‌نهاد افزایش یافته است (خیری، ۱۳۸۴: ۲۴۷-۲۴۵).

۶. روش‌شناسی

این تحقیق به بررسی آسیب‌شناسی «قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر» با تأکید بر اصل هشتم قانون اساسی با روش تحلیل استنتاجی-استنباطی پرداخته است. در این روش، داده‌ها از طریق بررسی اسناد قانونی، مقالات علمی، و تحلیل‌های موجود در مورد قانون جمع‌آوری شده و نقاط قوت و ضعف این قانون به‌صورت کیفی تحلیل شده است. همچنین، چالش‌های اجرایی قانون و عوامل مؤثر در عدم اجرایی‌سازی آن نیز مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است تا نتایج به‌دست‌آمده بتوانند به اصلاحات لازم در ساختار قانونی و اجرایی کمک کنند.

۷. یافته‌های پژوهش

در بخش یافته‌های پژوهش به طور خاص به بحث و بررسی در خصوص ضعف‌ها و نواقص «قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر» و موانع اجرایی شدن آن پرداخته شده است.

۷-۱. ضعف محتوایی (کلی بودن و ابهام در مصادیق)

برخی از مفاهیم و اصطلاحاتی که در قانون حمایت به کار گرفته‌شده دارای ابهامات قابل توجهی هستند که در برداشت و فهم حقوقدانان و مجریان از قانون مذکور شاید مؤثر باشد، مانند ابهام در مفهوم «حریم خصوصی» در ماده (۵) قانون، از این نظر که چه مفهومی دارد و چه مواردی را در بر می‌گیرد؟ (جعفری و قدرتی، ۱۴۰۲: ۱۵۸-۱۵۷) یا اینکه در ماده (۸) بیان می‌کند: «مردم در چارچوب شرع و قانون می‌توانند امر به معروف کنند» در حالی که شرع به‌صورت کلی اصول انجام این وظیفه را بیان کرده است که باید در این چارچوب باشد، اما اینکه این اصول چگونه باید انجام بگیرد تبیین این وظیفه بر عهده قانون‌گذار بوده که از آن غفلت شده است. همچنین اگر شخص همان‌گونه که در کوچه و بازار امر به معروف می‌کند به همان سبک در نظام اداری امر به معروف و نهی از منکر کند قطعاً نتیجه لازم و اثربخشی ندارد و وظیفه قانون‌گذار است با توجه به شناختی که نسبت به مسائل دارد و اطلاعاتی که کسب می‌کند روش‌های مناسب را در اختیار افراد برای امر به معروف و نهی از منکر قرار دهد. در ماده (۱۰) «قانون حمایت» نیز تعدادی از دستگاه‌های فرهنگی مکلف شده‌اند تا شرایط اقامه فریضتین و بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در این خصوص را از طریق آموزش و اطلاع‌رسانی فراهم کنند،

در حالی که یکی از موانع اجرای هر چه بهتر امر به معروف و نهی از منکر در جامعه، مسئله موازی‌کاری در این باره است؛ اینکه از همه نهادهای کشور خواسته شود تلاش کنند خوب است اما مشکل آنجاست که وظیفه هر کدام و مرزهای کاری‌شان با همدیگر مشخص نشده است و اینکه هر کدام با توجه به منابع و توانایی‌هایی که دارند در کدام حیطه انجام وظیفه کنند؟ (همان، ۱۶۵).

۱-۷-۱. نقدی بر مبهم بودن مصادیق

به نظر می‌رسد این اشکال چندان وارد و اثرگذار نباشد چنان‌که چنین رویه‌ای در بیان تفصیلی مصادیق جرم و با مشخصات جزئی در سایر قوانین و نیز قوانین دنیا، مرسوم نیست و بلکه به آن دسته از مصادیق مسلّم عرفی و اجتماعی که قانون و مصوبه منبعث از آنهاست تکیه می‌شود؛ در گزارشی که توسط مرکز پژوهش‌های مجلس تهیه شده، آمده است: «بسیاری از مصادیق معروف و منکر با مراجعه به قانون اساسی و قوانین عادی قابل شمارش است و مشکل عمده‌ای به‌عنوان عدم تعیین مصادیق معروف و منکر وجود ندارد. در مورد محدودیت‌های قانونی نیز همچون تعیین مصادیق معروف و منکر، منابع قانونی وجود دارند که لازم‌الاجرا هستند؛ بنابراین چه‌بسا نیازی به تصویب قوانین مستقل [با تعیین جزئیات در مصادیق و محدودیت‌ها] نباشد» (بابائی: ۲۴). در واقع مشکل در مشخص نبودن تمام مصادیق با جزئیات نیست و بلکه عمده سر و کار آمران و ناهیان با مصادیق قطعی است چنانکه علت وضع این قانون هم عدم حمایت از آمران و ناهیان در امر به معروف و نهی از منکر نسبت به موارد قطعی بوده است، مواردی که حسب قوانین بالاتر و حسب عرف و شرع، کاملاً مشهود و روشن بودند. هرچند بخشی از جامعه به دلایل فرهنگی و اعتقادی نسبت به اصل ارزش و معروف بودن برخی فضائل و نسبت به منکر و ضد ارزش بودن برخی رذایل اخلاقی مردد شده و فکرشان واژگونه شده است؛ بعضاً نیز حسب دلایلی، نسبت به پذیرش و تمکین در برابر قوانین جمهوری اسلامی موضع تقابلی و عناد دارند که در جای خود باید بررسی و ریشه‌یابی شود.

البته نباید از اختلافات فقهی موجود و عدم وحدت نظر درباره برخی معروف‌ها و منکرها غفلت کرد. تمرکز بر مصادیقی که محل اختلاف نظر است و از نظر پشتوانه دینی و سرمایه اجتماعی (همراهی جامعه مذهبی و دین‌داران) را به نحو مطلوبی به همراه ندارند، ایجاد مشکل می‌کند؛ هرچند در موارد اختلافی بین فقها، مبنای حاکمیت، نظر

ولی‌فقیه است و مبنای معقولی هم است، ولی باید توجه داشت که در چنین مواردی، مسئله در انتخاب شدن و نشدن و مبنا قرار گرفتن و نگرفتن هریک از نظرات نیست، بلکه در مسائل نرم‌افزاری و فرهنگی که با عقاید و باورهای افراد جامعه سر و کار دارد و هدف، اصلاح، تغییر و تحول در اندیشه و رفتار افراد است، حرف اول و آخر را اجماع سازی می‌زند و از طریق گفتگو و مباحثات آزاد (مبتنی بر تمام ابعاد عقلی و نقلی) صورت می‌گیرد و گرنه چه بسا مخاطراتش بر مزایای آن پیشی بگیرد؛ همچنان که لازم است وزن دهی درستی نسبت به هر کدام از معروف‌ها و منکرات اعمال شود و احیاناً، معروف‌ها و منکرهای زیربنایی و سنگین و اولویت‌دار، با «تأخیر» و معروف‌ها و منکرهای روبنایی و سبک و غیر اولویت‌دار، با «تقدیم» مواجه نشوند! و این میسر نخواهد شد مگر اینکه در خصوص سازوکار «چگونگی رفع مشکلات نظری» به درستی اندیشیده شود و سیاست عالمانه و مدبرانه‌ای با لحاظ کردن تمام ابعاد و جوانب، اتخاذ شود.

۱۳۹

۷-۲. نقدی بر یک‌دست نبودن (برخی کلی و برخی جزئی)

کلی بودن قانون، امری طبیعی و پذیرفته‌شده است و تا حدودی نیز لازم و مفید است تا دست مجری در مقام اجرا و تطبیق بر مصادیق جدید و مستحدثه بسته نباشد و با اندکی تغییر در مصادیق و جزئیات، مجبور به وضع قانون جدید نباشند (به دلیل سختی‌های وضع قانون و مسیر طولانی دیده شده به‌عنوان تشریفات قانونی).

در واقع، کلی و جزئی بودن برخی مفاد «قانون حمایت»، مشکلی در ایصال خواسته مقنن ایجاد نکرده و چنان نیست که مجری را با سردرگمی در مقام اجرا مواجه کند و بلکه با خواندن کلیت قانون و کنار هم گذاشتن کلیات و جزئیات مورد ادعا، این نتیجه حاصل می‌شود که قانون‌گذار، مراد و خواسته خود را که حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر است صریح و شفاف و به‌خوبی تفهیم کرده است.

البته نباید از این واقعیت گذشت که وظایف دستگاه‌ها در حوزه‌هایی چون ترویج، آموزش و آگاهی‌دهی بسیار کلی دیده‌شده به‌طوری که قابلیت انطباق با بسیاری از فعالیت‌های روزمره آنها را دارد و به‌راحتی به‌عنوان فعالیت‌های درخواست شده در این قانون گزارش می‌شوند؛ وظایف باید طوری تدوین و تعیین شود که منتج به اقدام اختصاصی اثربخش توسط هر دستگاه برای اجرای این قانون شود.

۷-۳. لزوم اولویت‌بندی معروف‌ها و منکرها

از دلایل اثر بخش نبودن «قانون حمایت» در رواج این فریضه و فقدان انگیزه لازم در آمران و ناهیان برای اجرای این قانون - علی‌رغم در نظر گرفتن حمایت‌های خوب - و نیز از عوامل اصلی عدم همراهی عامه مردم با «قانون حمایت از آمران و ناهیان»، جابه‌جا دیدن اولویت‌های منکر و معروف و سوق دادن قانون به سمت منکرات جزئی و غیر اولویت‌دار است، این مهم هرچند در قانون تصریح نشده ولی نگاهی به فلسفه وضع قانون و تحولاتی که منجر به وضع آن شد و نیز مباحث و ایراداتی که بین حامیان و مخالفان آن رد و بدل می‌شود همه و همه نشانگر توجه قانون به مصادیقی چون بدحجابی و روزه‌خواری و در سطح «مردم با مردم» است، لذا در تحلیلی از اجرای «قانون حمایت» می‌خوانیم: «برای سامان دادن به تحقق این دو فریضه باید نظام اولویت‌بندی طراحی و اجرا شود؛ برای مثال باید توجه داشت که رواج اقتصاد ربوی در جامعه، جامعه را به بی‌بصیرتی مبتلا می‌کند و توان امام شناسی از او سلب می‌شود چنانکه مردم کوفه در زمان امام حسین (ع) چنین شدند. طبق آموزه‌های اسلام نیز فقر عمومی جامعه موجب کاهش توان دین‌مداری جامعه می‌شود. چنان‌که فقر، چنین جامعه‌ای را در معرض خطر کفر قرار می‌دهد»^۱ «الفقر ان یکون کفرا» (کلینی، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۳۰۷) لذا در رویکرد ساختاری، حفظ نظام اجتماعی از اهمیت فوق‌العاده برخوردار است» (خیری، ۱۳۸۴: ۲۵۹).

در واقع اگر حمایت از آمران و ناهیان، در مصادیق اولویت‌داری همچون مقابله با مفسدان اقتصادی، نظام بانکی ناسالم و سایر منکراتی که حیات دنیوی و اخروی عامه مردم را با سختی و تنگنا مواجه ساخته، در نظر گرفته می‌شد، چه بسا این اشکالات و بهانه‌ها، خودنمایی نمی‌کردند. در حالی که اصل هشتم قانون اساسی - که این قانون در مقام اجرائی سازی آن است - نگاه وسیع و گسترده‌ای به حوزه‌های امر به معروف و نهی از منکر دارد (در ادامه ذکر خواهد شد).

۷-۴. لزوم توجه به اصول اخلاقی و روانشناسی

در شرایط اجتماعی فعلی، بخشی از جامعه در برابر امر و نهی نسبت به مقولاتی همچون عفاف و حجاب موضع تقابلی دارد و حتی آن را دخالت در حریم خصوصی خود می‌پندارد! در چنین شرایطی توجه به ظرافت‌های اخلاقی و روانشناسی دوچندان می‌نماید و نگاه تکلیف‌گرای صرف، (مبتنی بر ظاهر حال فرد بدون توجه به شرایط محیطی حاکم)، مشکل‌آفرین و تنش‌زا خواهد بود. یکی از تحلیل‌گران در این باره می‌گوید: «در تحقق

شایسته این فریضه باید اصول اخلاق اسلامی رعایت شود. برخی از این اصول عبارت‌اند از: مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی، تقدم پیشگیری و پرهیز از مچ‌گیری، جلوگیری از انباشت تخلفات و پرونده‌سازی و در مقابل ابتدای بر مدارا و باور به ممکن الخطا بودن انسان‌ها، رعایت اصول روان‌شناختی اصلاح‌گرانه و افزایش‌دهنده ظرفیت انسانی و پرهیز از برچسب‌زنی، آگاهی بخشی و معرفت‌افزایی، رعایت تفاوت‌های انسانی، محیطی و تربیتی و پرهیز از یکسان‌نگری» (خیری، ۱۳۸۴: ۲۶۰).

۷-۵. لزوم توجه به وضعیت و اقتضائات زندگی مدرن

برای عملیاتی شدن امر به معروف و نهی از منکر، لازم است به تجربیات تاریخی و چالش‌های جهان جدید درباره امر به معروف نیز توجه داشت و گمان نشود که با نگاه ساختاری و مدیریتی، عمده مشکلات حل می‌شود. لازم است از تجربیات تطبیقی کشورهای جهان در نظارت عمومی بر حوزه ارزش‌ها کمک گرفته شود؛ شاخص‌هایی چون: شفافیت، لزوم پاسخگویی در برابر عملکرد و وظایف محوله، میدان دادن به رسانه‌ها و حمایت از آنها و قانون‌مداری، از مواردی است که می‌تواند به شکلی زیربنایی، در سازمان یافتن امر به معروف و نهی از منکر، تحول ایجاد کند. نیز عدم توجه به ذهن مخاطب در دنیای مدرن و جدی نگرفتن فرهنگ‌سازی، معضل را دو چندان می‌کند! اینکه ذهن مدرن حوزه خصوصی خود را کجا می‌داند و چه ساحت‌هایی را نظارت‌پذیر قلمداد می‌کند بسیار اهمیت داشته و نیاز به بررسی‌های عمیق دارد و گر نه زمینه نظارت عمومی را ضعیف می‌سازد.

در همین راستا گفته شده که «اجرای هر اصلی از اصول قانون اساسی نیازمند کارهای فرهنگی جدی است که متأسفانه برای اجرای اصل هشتم نیز کارهای فرهنگی صورت نگرفته است و امروزه فقدان امر به معروف و نهی از منکر در جامعه به عنوان یک معضل فرهنگی شناخته نمی‌شود» (باقرزاده، ۱۳۹۱: ۸۸). در چنین وضعیتی، اجرای قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر، به منزله حرکت در خلاف جهت آب است که به جای همراهی و مساعدت، با مقاومت و مخالفت مردمی مواجه می‌شود.

۷-۲. ضعف در ساختار اجرائی لحاظ شده (ناتوانی ستاد احیا برای اجرای قانون)

مطابق «قانون حمایت» ستاد، مکلف به ۱۲ وظیفه در بند ۱۶ شده است، در حالی که به دلایل متعددی توانمندی لازم را طی این سال‌ها از خود نشان نداده است: علت اول این امر آن است که سازمان مزبور پیش از تصویب قانون حدود ۲۰ سال سابقه فعالیت داشته و به حدی شاکله‌سیاستی و ساختاری آن شکل گرفته بود که تصویب قانون، تغییرات چندانی در ساختار اداری و فعالیت‌های آن ایجاد نکرد. علت دوم آن است که جایگاه ستاد در نظام تصمیم‌گیری از حیث مشاور بودن یا تصمیم‌گیر بودن نامشخص بوده و همچنین در هویت فرهنگی یا سیاستی داشتن این سازمان ظاهراً تردید وجود دارد و راه‌حلی کارآمد و عملیاتی ارائه نشده است، لذا این ستاد در ادوار مدیریتی مختلف برنامه‌هایی چندپاره داشته که در بیشتر این ادوار مطابق با خوانش فرهنگی و در ادوار کوتاهی همراه با خوانش سیاستی بوده است (عبداللهی، ۱۴۰۱: ۷-۸) در همین راستا حتی قانون‌گذار نیز ستاد را سازمانی فرهنگی پنداشته و لذا اکثر اعضا و وظایف آن را در این زمینه و متناسب با آن در نظر گرفته است و همان‌طور که ظرفیت‌های مورد نیاز برای ورود به عرصه «اصلاح همه‌جانبه امور» در اختیار آن ستاد قرار داده نشده است اگرچه نقش‌هایی همچون تسهیلگری و پشتیبانی را برای او در نظر داشته است (همان: ۱۷).

در حالی که نگاهی به سخنان امام خمینی (رحمت‌الله علیه) نشان می‌دهد که ایشان امر به معروف و نهی از منکر را چیزی فراتر از یک امر فرهنگی می‌دیدند ایشان صراحتاً امر به معروف و نهی از منکر را ساز و کار اصلی «اصلاح همه امور» خوانده‌اند چیزی که تیغ برنده‌اش هر فرد و جایگاهی را در نظام اسلامی می‌تواند مورد سؤال قرار دهد. بنابراین می‌توان دریافت که سخنان امام (رحمت‌الله علیه) درباره وزارت امر به معروف و نهی از منکر فراتر از وظایف فرهنگی مذکور در قانون حاضر است. همچنین سخنان مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) نیز رنگی متفاوت‌تر از صرفاً فرهنگی دیدن امر به معروف و نهی از منکر دارد به عبارتی امامین انقلاب امر به معروف و نهی از منکر را یک ساز و کار سیاستی می‌پنداشتند چرا که از دل آن «اصلاح همه چیز و همه کس» رخ خواهد داد.

۷-۲-۱. ضعیف بودن جایگاه سیاستی ستاد احیاء

ضمن تأیید آنچه آمده، قابل ذکر است؛ نهادهای فرهنگی و نظارتی و اجرایی فراوانی مرتبط با فریضتین امر به معروف و نهی از منکر وجود دارد که ادغام آنها با یکدیگر نه ممکن است و نه مطلوب؛ اما می‌توان با تعریف نقشی دقیق و کاربردی برای ستاد احیاء امر به معروف و نهی از منکر، با پیش‌بینی ارتباطات کارآمد با سایر نهادها، زمینه اقامه این فریضه را فراهم کرد.

در تحلیلی در این باره آمده است: برای اقامه فریضه امر به معروف و نهی از منکر وجود نهاد و سازمانی ویژه ضروری تلقی می‌شود اما نه برای حضور مستقیم در اجرا، بلکه برای ایجاد هماهنگی بین نهادهای مختلف و مرتبط برای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی، نظارت بر عملکرد و پیگیری مطالبات مردم و مسئولین و ارزیابی از نحوه عملکرد نهادهای مسئول و ارائه گزارش به مراجع قانونی. این ستاد همچنین لازم است عهده‌دار طراحی و پیشنهاد دستورالعمل‌های مناسب شناسایی مشکلات اجرایی و رفع خلأهای نظری باشد و با شناسایی ظرفیت‌های مردمی، با تمهید بسترهای مورد نیاز از آنها نیز بهره بگیرد. ایفای نقش کارآمد و مؤثر نهاد هماهنگ‌کننده اجرای امر به معروف و نهی از منکر، مستلزم فراهم شدن: الف- پشتوانه قانونی برای جایگاه در نظر گرفته شده ستاد، ب- جایگاه متناسب با شأن نظارت بر سایر نهادها ج- تأمین منابع مالی مستقل (غیر از مسیر سازمان تبلیغات یا هر مسیر دیگر) است» (بابائی، ۱۳۸۹: ۲۵-۲۴).

۷-۲-۲. تحلیلی بر ایجاد جایگاه فرا قوه‌ای و فرا دولتی برای ستاد

برای به ثمر نشستن محور قبلی، لازم است ستاد احیاء به مانند شوراهای عالی، جایگاهی فرا قوه‌ای و فرا دولتی داشته باشد توضیح آنکه: «نظارت مردمی زمانی مؤثر خواهد بود که همه قوا و نهادهای تقنینی، اجرایی و قضایی پشتیبانی لازم را از آن به عمل آورده و با آن همکاری کنند. برای این مهم یک پیشنهاد، تشکیل شورای عالی امر به معروف و نهی از منکر در تراز شوراهای عالی کشور است. این شورا می‌تواند با تعیین سیاست‌ها و خط‌مشی‌های اساسی در زمینه ترویج و اجرای امر به معروف و نهی از منکر و زمینه‌سازی جهت مشارکت همه‌جانبه مردم و رسانه‌های گروهی در امور مربوط به فریضه امر به معروف و نهی از منکر اقدام کند» (جوان آراسته، ۱۴۰۱: ۶۴-۶۳). در حال حاضر مهم‌ترین نقد وارد بر ترکیب ستاد امر به معروف و نهی از منکر در «قانون حمایت»، این است که به‌صورت بسیار پررنگ، دولتی است و از چنین ترکیبی نمی‌توان

نظارت عمومی مؤثر بر دولت را انتظار داشت (به دلیل ذی‌نفع بودن ناظران) همچنان که از چنین ترکیبی نمی‌توان نظارت عمومی مؤثر بر قوای غیردولتی یعنی مقننه و قضائیه را انتظار داشت (به دلیل بخشی دیده شدن ستاد و تعریف آن در ذیل قوه مجریه) این وضعیت و جایگاه و ترکیب به طور طبیعی از میزان کارایی آن خواهد کاست.

در یکی از تحلیل‌ها برای تأمین این جایگاه آمده است: «اعطای اختیارات قانونی کافی به شورای عالی امر به معروف و الزام دولت و تمامی نهادهای رسمی و غیررسمی کشور به تبعیت از سیاست‌ها، برنامه‌ها و الگوهای ابلاغی از سوی آن و حضور نمایندگانی از شورای عالی امر به معروف در دستگاه‌های ذی‌ربط را می‌توان به‌عنوان ضمانت اجرا در نظر گرفت» (جوان آراسته، ۱۴۰۱: ۶۴).

گفتنی است به‌منظور جلوگیری از تعدد شوراهای عالی و به دلیل ارتباط فراوانی که حوزه‌های امر به معروف و نهی از منکر با امور فرهنگی دارند به نظر می‌رسد تشکیل شورای امر به معروف و نهی از منکر ذیل شورای عالی انقلاب فرهنگی و یا به‌گونه‌ای مرتبط و متصل به آن، چندان بی‌راه نباشد و از هزینه‌ها نیز به‌ویژه در شرایط فعلی کشور تا حد زیادی کاسته شود. چنان‌که مقام معظم رهبری در موارد متعددی وظیفه و شأن اصلی شورای عالی انقلاب فرهنگی را سیاست‌های کلان فرهنگی دانسته‌اند و به نظر ایشان سیاست‌گذاری راهبردی، بر عهده شورای عالی انقلاب فرهنگی است (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۸/۸/۲۳). ایشان در موردی دیگر می‌فرمایند: همین موضوع‌هایی که باید سیاست‌گذاری شود باید در مرکزی انجام گیرد که آن مرکز، مرکز قانون‌گذاری نیست بلکه مرکز سیاست‌گذاری است مرکزی فراتر از مراکز قانون‌گذاری است و با برنامه‌ریزی کلان سروکار دارد که شورای عالی انقلاب فرهنگی، مرکز مناسبی برای این کار است (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۱/۸/۲۲ در دیدار با استادان دانشگاه‌ها). سیاست‌های کلی فرهنگی بخشی از سیاست‌های کلی نظام‌اند و ذیل بند یک اصل ۱۱۰ قانون اساسی قرار می‌گیرند و نهاد شورای عالی انقلاب فرهنگی در این چارچوب از وجاهت قانونی برخوردار است (الهام و میرمحمدی، ۱۳۹۲: ۱۶۳).

۷-۲-۳. لزوم توجه به ملاحظات ایجاد تشکیلات برای امر به معروف و نهی از منکر

به رغم آنکه از روز نخست استقرار جمهوری اسلامی، وجود تشکیلاتی برای نظارت‌های عمومی و نظارت بر مردم مورد بحث بوده است، با وجود این تأسیس تشکیلات رسمی با احتیاط روبه‌رو بوده است؛ زیرا جمهوری اسلامی تجربه دولت‌های اسلامی گذشته را پیش رو داشت که اجرای این فریضه با تأسیس امور «حسبه» و امثال آن با ماهیت صرفاً دولتی، موفق نبوده است و در ادبیات و آثار تاریخی نیز سرزنش محتسبان به شکل پررنگی مشاهده می‌شود؛ بر این اساس جمهوری اسلامی ایران تلاش کرده از تاریخ عبرت گیرد و برای قانونی کردن این فریضه به ایجاد ستاد آن هم زیر نظر ائمه جمعه که دارای حیثیت مردمی و نظارت دینی‌اند، بسنده کند. این ستاد هم نتوانسته به نیازهای عرصه نظارت عمومی [نظارت مردم بر مردم] پاسخ دهد و محصول آن تلاش برای تصویب قانون در این خصوص بوده است (خیری، ۱۳۸۴، ۲۵۸-۲۵۵).

درواقع به دلیل سابقه ناخوشایند «حسبه» و ورود ناموفق حکومت‌ها در امر به معروف و نهی از منکر، علیرغم قانون مرقی امر به معروف و نهی از منکر در اصل هشتم قانون اساسی، حاکمیت ترجیح داد تا به جای اصلاح آن پیشینه و رفع نقاط ضعف، صورت مسئله را پاک کند و اساساً ورودی را برای حکومت در امر به معروف و نهی از منکر به مانند محتسب و مانند آن متصور نشود، بلکه صرفاً در بُعد «مردم بر مردم» موضوع را دنبال کند و نهایتاً قانونی را برای حمایت از آمران و ناهیان در نظر بگیرد؛ اما حقیقت آن است که تغییر کنشگر از حکومت به مردم، مسئله را حل نمی‌کند و مشکلات و مذمت‌های سابق پابرجا خواهند ماند.

به نظر می‌رسد این سابقه ناخوشایند معلول عواملی باشد که در صورت مرتفع شدن، امید اصلاح حال و گذشته می‌رود؛ توضیح آنکه چنانکه در اصل هشتم قانون اساسی ذکر شده، امر به معروف و نهی از منکر گستره وسیعی دارد و شامل سه بعد «حکومت بر مردم»، «مردم بر حکومت» و «مردم بر مردم» است ولی در تاریخ سازمان حسبه و نیز آنچه در طول چند دهه بعد از انقلاب دیده می‌شود محدود شدن این فریضه مهم به نظارت بر رفتارهای مردم (چه از طریق حکومت‌ها در قالب سازمان حسبه و چه از طریق خود مردم در قانون حمایت از آمران و ناهیان) و رها ساختن حکومت‌ها و متولیان از نقد و پاسخگو بودن و امر و نهی شدن نسبت به عملکردشان است و بی‌گمان این حاشیه امنی ایجاد شده برای حکومت‌ها و افتادن کفه تقصیرها و مشکلات در رفتارهای مردمی، در

هیچ دوره‌ای قابل تحمل نخواهد بود، به‌خصوص که عامل بسیاری از معضلات و مشکلات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مردم، عملکرد حاکمیت‌هاست. لذا در طول تاریخ، عملکرد محتسب (که به رفتارهای مردم همچون شرب خمر و نماز نخواندن و غضب و ... گیر می‌داده) همواره مورد تأمل و سرزنش بوده که چرا ایراد فقط از ما؟ و چرا با حاکم و کارگزارانش که منشأ بسیاری از این ناهنجاری‌ها هستند کاری نیست؟!

لذا برخلاف آنچه در اصل هشتم قانون اساسی ترسیم شده، «در نگاهی محدود و یک‌جانبه، رویکرد فقه فردی بر «قانون حمایت» حاکم بوده و به بیان روابط بین اشخاص پرداخته است» (خیری، ۱۳۸۴: ۲۵۶). جالب اینکه در متون دینی جایگاهی که برای تأثیرات امر به معروف و نهی از منکر ترسیم شده، آمده است: با امر به معروف و نهی از منکر جامعه از حاکمیت اشرار مصونیت می‌یابد (مجلسی، ۱۴۱۴، ج ۹۷، ص ۷۲). با اقامه امر به معروف و نهی از منکر جامعه در امنیت قرار می‌گیرد و جاده‌ها امن و درآمدها حلال و حقوق مردم ادا می‌شود (کلینی، ۱۳۶۹، ج ۵، ص ۵۵) و اینها محقق نمی‌شود مگر با گسترده دیدن دایره امر و نهی و وارد ساختن رفتارها و عملکرد مدیران و صاحب‌منصبان و کارفرمایان و مانند آنها در دایره امر و نهی؛ در این صورت ساختار و سازمان داشتن امر به معروف و نهی از منکر و حمایت از آمران و ناهیان مردمی، نه تنها لازم و ضروری به نظر خواهد رسید، بلکه به‌دوراز مقاومت و مذمت طعنه‌گران، با همراهی مردم مواجه خواهد شد.

۷-۳. ترکیب ناکارآمد اعضای ستاد مرکزی و عملکرد ضعیف ستادهای استانی

با نگاهی اولیه به ترکیب گونه‌گون و بلندبالای ستاد مرکزی می‌توان دریافت که این اعضا امکان جمع شدن در کنار یکدیگر را به‌سختی خواهند داشت و اگر منظور از این ترکیب ایجاد تصمیمات منسجم و همه‌جانبه در این زمینه بوده باید توجه داشت که این امر مستلزم تصمیم‌گیری جمعی و برگزاری جلسات متعدد است؛ مضاف بر آنکه طبق قانون، برگزاری جلسات با حضور اکثریت مطلق اعضا رسمیت دارد و همین امر سبب شده تا جلسات اعضای ستاد به‌ندرت برگزار شود. ... میزان همکاری در برگزاری جلسات اعضای ستاد در ادوار مختلف دولت‌ها متفاوت بوده است. اینها باعث شده تا جلسات ستاد مرکز با حضور حداقلی اعضا تشکیل شود و ستادهای شهرستانی نیز وضعیت مشابهی دارند (عبداللهی، ۱۴۰۱: ۲۵).

پیشنهاد می‌شود تبصره «۱» ماده (۱۹) قانون مبنی بر جایگزین پذیر نبودن اعضای ستاد با شخص دیگر حذف شود تا امکان حضور نمایندگان تام‌الاختیار اعضا فراهم آید. اگرچه جهت افزایش بهره‌وری جلسات و دوری از چند پارگی در تصمیمات مقتضی است نماینده تام‌الاختیار هر یک از اعضا به مدت حداقل یک سال تعیین شوند.

از طرفی، بنا به گفته کارشناسان، عملکرد ستادهای استانی از آغاز تاکنون قابل قبول نبوده است در گذشته اغلب دبیران ستادهای استانی در سازمان‌های دیگری مشغول به خدمت بودند و به دلیل مشغله‌های مسئولیت اصلی خود، کارهای ستاد را در حاشیه برگزار می‌کردند یا فعالیت‌های خود در سمت دیگر را به عنوان گزارش کار فعالیت‌های ستاد استان ثبت می‌کردند و همین امر سبب شده است تا قدرت نفوذ ستاد بر آنها برای اجرای برنامه‌ها در سطح استان تا حد قابل توجهی کاهش یابد، چرا که این افراد از سوی ستاد حقوقی دریافت نمی‌کنند و در نتیجه مسئولیت دبیری ستاد استان را به عنوان وظیفه‌ای فرعی برمی‌شمارند؛ در حالی که کمبود بودجه ستاد ایجاب می‌کند دبیران استانی خود را از میان کسانی که سمت دیگری دارند برگزینند تا در این صورت هزینه سرمایه انسانی خود را به کل قابل توجهی کاهش دهد. ولی در عوض ستاد توانایی کمتری در اعمال نظر بر استان‌ها خواهد داشت و از جمله آسیب‌های این امر، سیاسی شدن امر به معروف و نهی از منکر است (زیرا با تغییر دولت‌ها و رویکردها، دبیر ستاد نیز تغییر می‌یابد) راه دیگر پیش روی ستاد، کاهش هزینه‌های برنامه‌ای است تا با افزایش نیروی انسانی به فعالیت‌های خود ادامه دهد که در این صورت نیز به علت کمتر شدن بودجه فعالیت‌ها از کیفیت آنها و به دنبال آن اثرگذاری اقدامات کاسته خواهد شد بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که عدم تخصیص بودجه کافی به ستاد امر به معروف و نهی از منکر به نسبت ساختار پیشنهادی قانون، مانع از عملکرد چشمگیر آن ستاد شده است (عبدالهی، ۱۴۰۱: ۲۰). ضعف گفته شده در مورد ترکیب ستاد مرکزی مورد پذیرش است لکن در خصوص ستاد استانی گفتنی است این مشکل در سایر ستادهای استانی (در موضوعات دیگر مانند فرهنگ عمومی) نیز که ترکیب و ساختار مشابهی دارند برقرار بوده و دلیل آن ضعف بودجه و نداشتن جایگاه اداری مستقل برای اعضا نیست و نمی‌تواند هم چنین جایگاهی برای اعضا تعریف شود به خصوص با تعدد ستادهای استانی که برای موضوعات مختلف دیگر نیز در نظر گرفته شده است.

به نظر می‌رسد این مشکل حاصل عدم تنظیم‌گری جایگاه ستاد استانی در سلسله‌مراتب نظام اداری و مشخص نبودن نسبت دستگاه‌های آن با دستگاه‌های ستاد مرکزی است جالب اینکه، برقراری این نسبت و ارتباط طولی، از جمله بهترین و مؤثرترین ضمانت‌های اجرایی قانون است. توضیح آنکه؛ در حال حاضر، به جای اینکه دستگاه‌های عضو ستادهای استانی در امتداد دستگاه‌های ذی‌ربط بالاسری‌شان باشند و عملکردشان به عنوان بخشی از وظایف تعریف شده آنها از سوی دستگاه مرکزی‌شان باشد (دستگاهی که بودجه‌شان، برنامه‌شان و انتصاباتشان با تأیید و تصویب آن صورت می‌گیرد) در امتداد ستاد مرکزی آن هم با ارتباطی ضعیف دیده شده‌اند! و در نتیجه ابایی از مسئولیت‌گریزی در تشکیل دادن جلسات ستاد استانی و انجام مصوبات ندارند و بعضاً انگیزه خود را مشروط به داشتن حکم مجزا با آورده مالی می‌دانند! اما اگر ستاد استانی بازوی ستاد مرکزی بوده، ارتباط وثیق بین آنها برقرار باشد و ستاد استانی صرفاً جایی برای هماهنگی میدانی باشد و تعیین وظایف، بودجه، نظارت و ارزیابی دستگاه‌های ذیل ستاد استانی، به دستگاه مرکزی مربوطه آن متصل باشد، عملکردها به‌گونه‌ای دیگر خواهد بود. برای مثال اداره کل آموزش و پرورش یک استان تمکینی نسبت به مصوبات ستاد استانی نخواهد داشت، ولی اگر مصوبات از مجرای وزارت آموزش به اداره کل‌های استانی بیاید بدون تردید عملکردها به‌گونه‌ای دیگر خواهد بود.

برای این منظور بخشی از فعالیت ستاد مرکزی بایستی پیگیری امورات محوله از دستگاه‌های مرکزی مبنی بر الزام شعب استانی‌شان در انجام مصوبات ستاد مرکزی باشد (یعنی دستگاه بالاسر، اولاً مصوبات ستاد مرکزی را رأساً به زیرمجموعه‌های استانی خود ابلاغ کند و ثانیاً شعب استانی خود را ملزم کند تا آنها را در برنامه‌بودجه سالانه‌شان ببینند ثالثاً از عملکرد آنها گزارش بگیرد و به ستاد مرکزی ارائه کند.

۷-۴. فقدان ضمانت اجرایی

بنا به اذعان مسئولین ادوار ستاد، بخش زیادی از وظایف مندرج در قانون توسط سازمان‌ها به درستی صورت نگرفته است که علل آن را می‌توان پیگیری ننمودن امور از سوی ستاد و مهم‌تر از آن مشخص نبودن مجازات متخلفان از قانون دانست در واقع قانون فعلی مجازات کسانی که از قانون سرپیچی یا در انجام وظایف خود کم‌کاری می‌کنند را مشخص نکرده است و تنها به گرفتن گزارش و اعلام آن به مراجع ذی‌صلاح بسنده کرده

است به اذعان تمامی صاحب‌نظران این فقدان نه تنها زمینه برخی بی‌مبالاتی‌های مکلفان در قانون را فراهم آورده بلکه از ضریب نفوذ ستاد در پیگیری امور تا حد قابل توجهی کاسته است. (عبدالهی، ۱۴۰۱: ۸) لذا جهت افزایش ضمانت اجرایی مصوبات، لازم است قوانین مرتبط با متخلفین ذکر شود.

قبل از ورود به بحث ضمانت‌های اجرائی، لازم است از این امر علت‌یابی شود که چرا وظایف محوله حتی توسط دولت‌های هم‌راستا با ارزش‌های مدنظر «قانون حمایت» و توسط مدیران انقلابی و ارزشی چندان مورد توجه و اهتمام قرار نمی‌گیرد و به اجرا نمی‌رسد؟ آن‌هم در موضوع حیاتی و کلیدی چون امر به معروف و نهی از منکر. به نظر می‌رسد مباحثی که قبلاً در خصوص محدود دیدن گستره امر به معروف و نهی از منکر و پرداختن صرف به بخش رفتارهای مردمی و رها ساختن ابعاد اولویت‌دار امر به معروف و نهی از منکر (که این رویکرد همواره با مخالفت و تقابل عامه مردم همراه بوده است) گفته شد، از بزرگ‌ترین عوامل رویگردانی و کم‌انگیزی مدیران و دستگاه‌ها در اجرای این قانون است زیرا آن‌ها را با هزینه اجتماعی و سازمانی هنگفتی ولو به صورت نانوشته مواجه می‌کند و به دلیل رها ساختن مصادیق مهم و پرداختن به اولویت‌های دست‌چندم، در معرض نظرات منفی مردم و زیرمجموعه خود قرار می‌دهد.

اما فارغ از آنچه گفته شد، در حالت کلی هر قانونی نیاز به ضمانت‌های اجرائی دارد و تأمین ضمانت‌های اجرای قانون در قالب ضمانت‌های اداری (تخلف محسوب شدن استنکاف از اجرای وظایف) و یا ضمانت‌های قضائی (جرم انگاری استنکاف از انجام وظایف محوله) امری ضروری است و لازم است در آیین‌نامه اجرائی قانون حمایت از آمران و ناهیان مورد توجه قرار گیرد.

نکته آخر در این خصوص آنکه؛ هرچند ضمانت‌های اداری و قضائی لازم هستند ولی کافی به نظر نمی‌رسد و ضمانت‌های اجرائی صرفاً از نوع جرم انگاری و وارد ساختن موضوع در حیطه تخلفات اداری نیست. لذا باید به فکر مجموعه‌ای از ضمانت‌های اجرائی مؤثر بود مانند مؤثر بودن ترکیب ستاد مرکزی که البته مورد توجه در قانون بوده است. یکی دیگر از ضمانت‌های مؤثر، متصل ساختن وظایف قانون حمایت و مصوبات جلسات ستادها به وظایف دستگاه‌ها و اشراب آن در برنامه پنج‌ساله کشور و سپس در برنامه و بودجه سالانه کشور و دستگاه‌های ذی‌ربط است. در این صورت اولاً از قید و بهانه بودجه نداشتن خلاصی حاصل خواهد شد و ثانیاً پای سازمان بازرسی کشور به موضوع

نظارت از عملکردها در اجرای وظایف محوله باز خواهد شد که بسیار مؤثر است، هر چند لازم است این سازمان را در ارزیابی موضوعات تخصصی محتوایی مساعدت نمود، زیرا عمده نظارت آنها بر شکل کار و هزینه کردهاست.

۷-۵. وضعیت نامناسب در میزان و فرایند جذب بودجه

بودجه ستاد متناسب با وظایف مورد انتظار از این ستاد نیست؛ از طرفی به رغم آنکه ردیف بودجه مستقل ستاد امر به معروف و نهی از منکر در قانون ذکر شده است اما ستاد سازمانی فرعی به حساب می‌آید بدین معنا که تمام مکاتبات بودجه‌ای و موافقت‌نامه‌های این سازمان از طریق سازمان تبلیغات به عنوان سازمان اصلی امکان‌پذیر است و همین امر سبب شده تا در فرایندهای دریافت بودجه‌ای آن سازمان، موانعی ایجاد شود برای مثال ارائه موافقت‌نامه ستاد به سازمان برنامه و بودجه منوط به آماده شدن و ارسال موافقت‌نامه به سازمان تبلیغات است از این رو فرایندهای اداری مرتبط با بودجه ستاد، طولانی‌تر از آنچه باید و به شیوه‌ای غیرمستقیم پیش می‌رود. (عبداللهی، ۱۴۰۱: ۲۱-۲۰). آنچه در خصوص طولانی بودن فرایند اخذ بودجه و واسطه شدن سازمان تبلیغات گفته شده به نظر صحیح می‌آید لکن کافی نبودن بودجه‌ها و نیاز به تخصیص بیشتر محل تأمل است زیرا اولاً وضعیت مالی و بودجه‌ای کشور در شرایطی نیست که بتوان هزینه‌های جدید این چینی را بر آن تحمیل کرد. به خصوص در موضوعات فرهنگی و حساسیت‌های ایجاد شده نسبت به بودجه‌های فرهنگی، ثانیاً اساساً نیازی به بودجه آن‌چنانی در حوزه امر به معروف و نهی از منکر نیست و آنچه در این حوزه رخ می‌دهد صرفاً و غالباً از نوع تغییر رویکرد و اولویت است و تغییر رویکرد و اولویت نیاز به بودجه علی‌حده و جدید ندارد. برای مثال سازمان صداوسیما که ترویج ارزش‌ها و آگاهی‌دهی نسبت به موضوعات فرهنگی جزء وظایف ذاتی و روزمره آن است مکلف می‌شود موضوع امر به معروف و نهی از منکر و آشناسازی مخاطبان قانون مربوطه را نیز جزء موضوعات مورد پردازش خود قرار داده و در اولویت قرار گیرد یا وزارت آموزش و پرورش که همه ساله بودجه‌ای را برای به‌روزرسانی محتوای کتب درسی در نظر می‌گیرد و این کار جزء وظایف و برنامه‌های روتین و ذاتی آن محسوب می‌شود، حالا مکلف شده که محتوای مدنظر قانون امر به معروف و نهی از منکر را نیز در متون درسی وارد و اشراک کند و الی آخر.

۷-۶. نگاه محدود به گستره امر به معروف و نهی از منکر

«قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر» محدوده کوچکی از اصل هشتم قانون اساسی را پوشش می‌دهد و صرفاً به بخش «مردم بر مردم» پرداخته است هرچند گریزی نیز به بخش «مردم بر حکومت» دارد ولی در این موضوع جدی نیست چنانکه لوازم آن را ندیده و بررسی فلسفه وضع این قانون که در ابتدا آمد، همه و همه نشانگر دغدغه قانون فقط نسبت به بخش «مردم بر مردم» است. در حالی که اصل هشتم قانون اساسی ابعاد مختلف اجرای دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر را مشخص کرده است. بر اساس این اصل امر به معروف و نهی از منکر باید در سه بعد ۱. مردم نسبت به یکدیگر ۲. دولت نسبت به مردم ۳. مردم نسبت به دولت، اجرا شود؛ اما قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر اگرچه گام مثبتی برای اجرایی شدن مفاد اصل هشتم قانون اساسی بوده و دقت‌های درخور ستایشی در برخی از مواد آن صورت گرفته، اما همان‌گونه که از نام آن پیداست تنها معطوف به بخشی از کلیت امر به معروف است و بر بُعد حمایتی از آمران و ناهیان تمرکز کرده است.

به اعتقاد شهید مطهری، معروف و منکر از نظر اسلام محدود به حد معین نمی‌شود. تمام هدف‌های مثبت اسلامی داخل در معروف و تمام هدف‌های منفی اسلامی داخل در منکر است (مطهری، ۱۳۸۶، ج ۱۷، ص ۲۸۱). تعیین ابعاد سه‌گانه اجرای امر به معروف و نهی از منکر از این اهمیت برخوردار است که مبنای مناسبی برای قانون‌گذاری، نهادسازی و برنامه‌ریزی فراهم خواهد آورد، همچنان که تحقق اصل هشتم در هر یک از ابعاد سه‌گانه مقدمات و لوازم متناسب را می‌طلبد. نیز ابعاد سه‌گانه معرفی شده را می‌توان ملاک مناسبی برای ارزیابی عملکرد جامعه در زمینه اجرای این فریضه دانست توضیح اینکه اجرای امر به معروف و نهی از منکر باید به‌گونه‌ای متوازن در همه ابعاد صورت گیرد و چنانچه در اجرای این فریضه تنها به یکی از ابعاد اکتفا شود، شاهد ناکارآمدی و عدم موفقیت در اجرای اصل هشتم خواهیم بود.

بر این اساس بررسی آنچه تاکنون در مورد اجرای امر به معروف و نهی از منکر صورت گرفته، بیانگر آن است که اقدامات صورت گرفته بر محتوای اصل هشتم قانون اساسی منطبق نیست که دلیل آن نه تنها نحوه اجرای قوانین پراکنده مصوب بلکه عدم وجود قانون جامع است که بتواند هر سه بعد مورد نظر را مورد توجه قرار دهد (بابائی، ۱۳۸۹: ۲۳-۲۲). درواقع نبود قانون جامع عملیاتی یکی از خلأهای جدی اجرای اصل

هشتم قانون اساسی است و مجلس شورای اسلامی هنوز قانون منسجم و کاملی را برای اجرای این اصل در جامعه، تدوین و تصویب نکرده است؛ هرچند در حال انجام اقداماتی در این زمینه است، اما هنوز برنامه جامع و مدونی برای اجرایی کردن این اصل وجود ندارد (باقرزاده، ۱۳۹۱: ۸۸).

ضمن پذیرش این نقیصه، قابل ذکر است در مجلس هشتم شورای اسلامی و در سال ۱۳۸۹ راهکارهایی برای اجرائی سازی اصل هشتم قانون اساسی در ابعاد سه گانه آن تدوین و پیش بینی شد، طوری که حسب نظر کارشناسان مطلع، راهکارهای در نظر گرفته شده، مفید، مناسب و متقن بودند لیکن به سرانجام و به تصویب نرسید. در ادامه نکاتی تکمیلی در خصوص ابعاد فراموش شده در قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر، قابل ذکر است:

۷-۶-۱. غفلت از بُعد «مردم بر حکومت»

اصل هشتم قانون اساسی چنانکه گفته شد دلالت بر امر و نهی «دولت توسط مردم» دارد؛ لذا مردم از حق دعوت به خیر، نصیحت، ارشاد در مورد عملکرد دولت برخوردارند و در چارچوب شرع و قوانین می توانند نسبت به مقامات، مسئولان، مدیران و کارکنان تمامی اجزای حاکمیت و قوای سه گانه، مؤسسات و نهادهای عمومی غیر دولت و کلیه دستگاه‌هایی که شمول قوانین و مقررات عمومی نسبت به آنها مستلزم ذکر یا تصریح نام است، امر به معروف و نهی از منکر کنند. بدین ترتیب اموری چون مفاسد اقتصادی و مالی، مفاسد اخلاقی، عدم رعایت شئون اسلامی، عدم رعایت انضباط اداری، عدم رعایت وجدان کاری، حیف و میل بیت‌المال، تجمل گرایی، ناتوانی در انجام مسئولیت، بی توجهی به حقوق و کرامت انسانی افراد و هر معروفی که از سوی دولتمردان ترک شده یا منکری که صورت گرفته، مشمول امر و نهی مردم خواهد بود (آراسته، ۱۴۰۱: ۵۷).

در حکومت اسلامی، از جمله تکالیف مهم شهروندان و مردم، اعمال نظارت و امر و نهی نسبت به دولت و کارگزاران وابسته به اوست. امر و نهی و نظارت ملت بر افعال دولت، از حقوق بنیادین ملت‌ها و از مهم‌ترین شیوه‌های مهار کردن قدرت‌های سیاسی و تضمین سلامت آن است. چنانکه بنا بر اندیشه مردم سالاری دینی، حاکمان امانت‌دار مردم هستند و نه صاحبان و مالکان آنها، بنابراین باید در کمال امانت و در حدود اختیاراتی که برای آنها مشخص شده است به ایفای وظیفه خویش بپردازند و به علت خدمتگزاری

خویش، منتهی بر مردم ندارند. مردم نیز نه تنها حق نظارت بر عملکرد آنان را دارند بلکه مکلف به آن هستند. ارتقای جایگاه «نظارت همگانی» از «حق» به «تکلیف» موجب آن می‌شود که شهروندی نتواند در اجرای این اصل کوتاهی یا از آن چشم‌پوشی کند و نیز حاضر خواهد شد تا برای اصلاحات اجتماعی هزینه احتمالی آن را پرداخت کند.

این از آن روست که گستردگی دستگاه دولتی در عصر جدید با وسعت میدان عمل از یک سو و برخورداری از ابزار قدرت، پلیس اطلاعات و امنیت، ارتش، آموزش، وسایل ارتباط جمعی و رسانه‌ها... از سوی دیگر، به راحتی توان شکل‌دهی و حتی انحراف و فریب افکار عمومی را دارند. به علاوه پشتوانه اقتصادی انحصار تولید که تمرکز بیشتر قدرت در دولت و وابستگی و ضعف طبیعی رعیت را در پی دارد و واقعیاتی از این قبیل ایجاب می‌کند که دولتمردان با قدرت مطلقه و نامحدود رها نشوند، چرا که چنین حالتی منجر به پدید آمدن حوادث خانمان‌سوز و بنیان افکن که بعضاً نابودی یک جامعه و یا تحول ریشه‌ای در آن را به دنبال دارد، خواهد شد.

اگر مردم مسائل جاری کشور اسلامی را به‌درستی بشناسند و ریشه‌ها و علل و عوامل کاستی‌ها و انحرافات را بدانند و با عوامل آن برخورد به‌جا و شایسته‌ای داشته باشند. جامعه راه سلامت را می‌پیماید و انواع انحرافات در آن راه پیدا نمی‌کند ... اگر نظارت مردمی تحقق یابد، بسیاری از بزهکاری‌ها مطرح نمی‌شود. چون امت اسلامی پس از رسول اکرم (ص) امر به معروف و نهی از منکر را از یاد بردند و نظارت دقیق نکردند و بی‌تفاوت شدند، حاکمان ستمکار بر آنها مسلط شده و ارزش‌های اسلامی را به دست فراموشی سپردند. مردم از مجرای امر به معروف و نهی از منکر است که می‌توانند حکومت‌ها را در چارچوب اصول و قوانین حفظ کنند و آن را مورد نظارت همه‌جانبه قرار دهند. استقرار نهادهایی که بتوانند در ادای این امر مهم یاری کنند، نیاز به تأمل و مطالعات حقوقی - سیاسی است. این یک مسئولیت همگانی است که جامعه اسلامی را از هرگونه ناخالصی، ریا و نیرنگ پاک می‌کند و روابط و تعامل انسان را تسهیل می‌بخشد.

لذا یکی از اساسی‌ترین پایه‌های استواری هر نظام سیاسی، به‌خصوص حکومت اسلامی، نظارت دائمی آحاد مردم بر اعمال و رفتار حکومت است... مساجد، منابر، رسانه‌های عمومی، جمعیت‌ها، احزاب و سایر تشکل‌های مردمی غیردولتی می‌توانند با رویکرد امر به معروف و نهی از منکر ساماندهی شوند و با وضع قوانین از آنها حمایت شود (زارع، ۱۳۹۵: ۸-۷).

البته در لایحه «دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر» تهیه شده توسط معاونت حقوقی دولت هشتم، در حوزه «مردم نسبت به دولت» در مواد (۱۰) (۱۱) و (۱۲) بر حق غیر قابل تعرض امر به معروف و نهی از منکر مردم تأکید کرده است؛ اما هیچ تضمینی برای پاسخگویی مسئولین در نظر گرفته نشده و هیچ فرآیندی را برای پیگیری مشخص نکرده است. طبیعی است که اگر در تعالیم و احکام اسلامی بر امر به معروف و نهی از منکر تأکید شده است، تنها تذکر و مطالبه مورد نظر نبوده است، بلکه مقصود اصلی تحقق معروف و محو منکر بوده است که در حکومت اسلامی باید زمینه آن از طریق الزام به شفافیت و پاسخگویی در برابر مردم و رسانه‌ها فراهم شود.

همچنین در ماده (۱۴) این لایحه آمده است دستگاه‌های دولتی مکلفاند انتقادات و پیشنهادهای مردمی و تذکرات آنان در مورد عملکردهای خود را از طریق روابط عمومی‌ها و ادارات مربوط دریافت و هر ماهه گزارشی از انتقادات، پیشنهادهای و تذکرات و نحوه ترتیب اثر دادن به آنها را تنظیم کرده و از طریق رسانه‌های همگانی به اطلاع مردم برسانند اما طبیعی است بدون در نظر گرفتن سازوکارهایی اجرائی و ضمانت اجرای لازم، این ماده قانونی چیزی بیش از یک توصیه محسوب نمی‌شود.

در پایان به این نکته باید توجه داشت که در مباحث حقوق عمومی گونه‌های مختلف نظارت مالی، تقنینی قضایی و سیاسی با سازوکارهای تعریف شده وجود دارد که با توجه به تخصصی بودن نظارت مردم بر حاکمیت، نظارت‌های عمومی نمی‌تواند آنها را در برگیرد. برای مثال نظارت بر چگونگی هزینه کرد بودجه توسط دستگاه‌ها و کنترل آنها در وهله اول از طریق ذی‌حسابان مأمور از سوی وزارت امور اقتصادی و دارایی صورت می‌گیرد و به موجب اصل ۵۵ قانون اساسی دیوان محاسبات نیز به کلیه حساب‌های دستگاه‌هایی که از بودجه کل کشور استفاده می‌کنند رسیدگی می‌کند تا بودجه اختصاص یافته، در محل خود هزینه شده باشد. بدیهی است این گونه نظارت‌های فنی و پیچیده خارج از قلمرو نظارت‌های عمومی و غیررسمی است. همچنین نظارت‌های سیاسی قوه مقننه بر قوه مجریه و نظارت تقنینی شورای نگهبان بر مصوبات مجلس و یا نظارت قضایی که توسط دستگاه قضایی صورت می‌گیرد.

۷-۶-۲. غفلت از بُعد «حکومت بر مردم»

حکومت که زمامدار و مجری اعمال حاکمیت و مسئول مستقیم حفظ و تأمین منافع ملت است. در اجرای امر به معروف و نهی از منکر نقش بدیع و اساسی دارد. اجرای اصل امر به معروف و نهی از منکر از طریق نظارت زمامداری بر امور عمومی و اجتماعی اوضاع جامعه را بهبود می‌بخشد و از اشاعه منکرات می‌کاهد.

توضیح آنکه؛ «فضایل و مفاسد موجود در هر جامعه قبل از آنکه ناشی از رفتار و خصلت‌های فردی باشد، معلول شرایط و زمینه‌های موجود در هر جامعه است. بسیاری از افراد نیکو سرشت، قربانی محیط آلوده‌ای هستند که در آن زندگی می‌کنند و در معرض فساد و تباهی قرار می‌گیرند و به تبهکاری و ارتکاب منکر کشیده می‌شوند؛ به عبارت دیگر منکرات فردی اصولاً معلول نابسامانی‌های اجتماعی است. چاره کار در این زمینه اتخاذ تدابیر کلی و نوعی برای مبارزه با بسترها و ریشه‌های فساد است. درواقع گاهی اوقات منکرات در سطح وسیعی است که جزء با حرکت دولت و تدوین و طراحی برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های کلان، امکان نهی از آن میسر نیست، لذا برای اجرای احکام نورانی اسلام باید حکومت اسلامی در کار باشد وگرنه بسیاری از احکام که نیاز به قدرت اجرایی دارند، بلا اجرا خواهند ماند» (همان: ۱۱). نمونه‌هایی از وظایف حکومت در اجرای امر به معروف و نهی از منکر از طریق سیاست‌گذاری و بسترسازی برای زمینه‌های صلاح و رفع زمینه‌های فساد عبارت‌اند از:

- کنترل نرخ‌ها و جلوگیری از هرج و مرج بازار؛
- جلوگیری از واسطه‌های کاذب که وسیله گران شدن اجناس هستند؛
- نظارت بر قراردادهای و جلوگیری از سوءاستفاده‌هایی که در تنظیم اسناد می‌شود؛
- دقت در توزیع عادلانه، حفظ بیت‌المال و شناسایی امین‌ترین و کاردان‌ترین افراد برای سپردن امورات؛
- ایجاد اشتغال مفید و پایدار برای بیکاران و مهارت‌آموزی و توانمندسازی نیروی کار؛
- استفاده بهینه از منابع ملی و طبیعی (قرائتی، ۱۳۹۰: ۷۰).

بند اول اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نمونه بارز تکلیف قانونی دولت در اجرای این فریضه است که دولت را موظف به ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوا، مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی کرده است؛

بنابراین برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری دولت با وضع قوانین کلی و نوعی، باید به نحوی باشد که اهداف مذکور در اصل سوم را تأمین کند.

۳-۶-۷. غفلت از سایر ابزارهای نظارتی

راهکارهای ایجابی الزام به اخلاق مانند سازوکار حقوق اساسی جمهوری اسلامی، شیوه نصب و نظارت بر کارگزاران دولتی، ایجاد نهادهای خاص مروج اخلاق و نظارت همگانی و مردمی، نسبت به الزام قضایی اخلاق، در اولویت قرار می‌گیرند و استفاده از قوه قهریه آخرین مرحله الزام به اخلاق است (ر.ک: غمامی و محمدی، ۱۳۹۸: ۳۰۲-۳۰۰؛ غمامی، ۱۴۰۱: ۳۵-۳۲؛ غمامی، ۱۳۹۶).

توضیح آنکه، در نظام جمهوری اسلامی به‌عنوان نمونه عینی حکومت اسلامی سازوکارهای فراوانی برای الزام به اخلاق در قانون اساسی و سایر قوانین وجود دارد (مقدمه قانون اساسی و اصول چهاردهم، بیست و چهارم و یکصد و شصت و پنجم) در گام اول قانون اساسی در تعیین هدف حکومت و تعیین کارکردهای نهادهای اساسی و شیوه تصویب قوانین، اجرا و نظارت بر آن، سازمان قوا را به نحوی مهندسی کرده است تا خروجی حکومت، فرد و جامعه متخلق به اخلاق دینی باشد (ر.ک: اصول ۵۱-۵۳، ۵۸، ۷۳، ۷۶، ۸۷-۹۰، ۱۱۳، ۱۲۱ و ۱۳۷ قانون اساسی). از سویی کارگزاران دولتی به‌عنوان بدنه حاکم بر مردم، پیش از استخدام و پس از آن مستمراً می‌بایست خود از اصول اخلاقی تخطی نکنند و ساخت دولت می‌باید اخلاقی باشد (ر.ک: اصل ۱۳۳ قانون اساسی، بند ۴ ماده (۲) قانون تسری قانون گزینش معلمان و کارکنان آموزش و پرورش به کارکنان سایر وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی، مصوب ۱۳۷۵؛ قانون مقررات انتظامی هیئت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی کشور، مصوب ۱۳۶۴؛ قانون رسیدگی به تخلفات اداری، مصوب ۱۳۷۲ و قانون مدیریت خدمات کشوری، مصوب ۱۳۸۶). پس از این مرحله نوبت به ترویج اخلاق می‌رسد که نهادهایی همچون شورای عالی انقلاب فرهنگی، وزارتخانه‌های فرهنگ و ارشاد اسلامی، آموزش و پرورش، آموزش عالی و همچنین سازمان‌های صداوسیما و تبلیغات اسلامی موظف‌اند به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم به ترویج اخلاق در جامعه بپردازند (اصول ۲-۳، ۳۰ و ۱۷۵ قانون اساسی؛ جایگاه، اهداف و وظایف شورای عالی انقلاب فرهنگی، مصوب ۱۳۷۶/۷/۲۰؛ قانون اهداف و وظایف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مصوب ۱۳۶۵/۱۲/۱۲؛ سند تحول بنیادین

آموزش و پرورش، مصوب ۱۳۹۰؛ قانون اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت علوم و تحقیقات و فناوری، مصوب ۱۳۸۳/۱۸/۵؛ اساسنامه سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۶۸ و اساسنامه سازمان تبلیغات اسلامی، مصوب ۱۳۸۷).

در گام بعدی است که تعریف شدن امر به معروف و نهی از منکر به عنوان نظامی دیگر در قانون اساسی، تضمینی عمومی برای مقابله با تجاوز به اخلاق در جامعه است (اصل ۸ قانون اساسی و قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر، مصوب ۱۳۹۴) و البته در نهایت قوه قضائیه به عنوان راهکار نهایی الزام به اخلاق، مصادیق خلاف اخلاق را جرم‌انگاری می‌کند و از طریق برخورد قضایی جریان اخلاق را در جامعه برقرار می‌کند (اصل ۶۱ قانون اساسی و مواد ۹۷۵، ۹۵۹، ۱۱۷۳، ۱۲۳۱ قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲).

نتیجه‌گیری

بررسی «قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر» و میزان اجرائی شدن آن و نیز توجه به مشکلات و عوامل عدم اجرائی شدن آن حسب گزارش‌ها و تحلیل‌های صورت گرفته حاکی از آن است که این قانون صرفاً برای یکی از سه بُعد امر به معروف و نهی از منکر یعنی بعد «مردم بر مردم» آن‌هم با نظر به جنبه حمایتی از آمران و ناهیان مردمی نگاشته شده است و به دلیل همین نگاه ناقص به گستره موضوع امر به معروف و نهی از منکر و غفلت از ابعاد و جنبه‌های مهمی همچون «مردم بر دولت»، اثربخشی ضعیفی دارد و کلیت جامعه خود را در آن ذی‌نفع نمی‌بیند.

در این میان از اختلافات فقهی موجود و عدم وحدت نظر درباره برخی معروف‌ها و منکرها نیز نباید غفلت داشت. تمرکز بر مصادیقی که محل اختلاف نظر است و به لحاظ پشتوانه دینی سرمایه اجتماعی (همراهی جامعه مذهبی و دین‌داران) را به نحو مطلوبی به همراه ندارند، ایجاد مشکل می‌کند؛ همچنان که لازم است وزن دهی درستی نسبت به هر کدام از معروف‌ها و منکرات اعمال شود. یکی از مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش در خصوص «قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر» فقدان ضمانت اجرائی آن است که ضروری است ضمانت‌های اداری و قضائی در اصلاحات آن و یا آیین‌نامه اجرایی لحاظ شود. یکی از آنها متصل ساختن وظایف این قانون و مصوبات جلسات ستادها به وظایف دستگاه‌ها و اشارات آن در برنامه پنج‌ساله کشور و سپس در برنامه بودجه سالانه کشور و دستگاه‌های مسئول است.

فرایند طولانی اخذ بودجه و لزوم واسطه شدن سازمان تبلیغات مشکل دیگرای است که نیازمند اصلاح در ساختار بودجه‌ریزی است. لکن کافی نبودن بودجه‌ها و نیاز به تخصیص بیشتر نیز خود محل تأمل است.

بر اساس یافته‌ها ستاد احیاء امر به معروف و نهی از منکر می‌بایست جایگاهی متناسب با وظایف محوله پیدا کند، یعنی جایگاهی فرا قوه‌ای و فرا دولتی و نیز به‌جای تمرکز بر کار فرهنگی و ترویجی بر امر سیاست‌گذاری و ساماندهی دستگاه‌های متولی متمرکز شود و رویکرد سیاستی و مدیریتی را دنبال کند. شاید اتصال آن به شورای عالی انقلاب فرهنگی و استفاده از ظرفیت فرا قوه‌ای این شورا، راهگشا باشد. نکته مهم دیگر این است که نباید از سایر ابزارهای نظارتی غفلت شود؛ راهکارهای ایجابی الزام به اخلاق مانند سازوکار حقوق اساسی جمهوری اسلامی، شیوه نصب و نظارت بر کارگزاران دولتی، ایجاد نهادهای خاص مروج اخلاق و نظارت همگانی و مردمی، نسبت به الزام قضایی اخلاق، در اولویت قرار دارند و استفاده از قوه قهریه آخرین مرحله الزام به اخلاق است.

در کل، این قانون نیازمند اصلاحات اساسی در زمینه ضمانت اجرایی، بودجه‌ریزی و توجه به تمام ابعاد امر به معروف و نهی از منکر است تا بتواند به‌طور مؤثرتری اجرا شود.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. ابن ابی الحدید (۱۳۶۳). شرح نهج البلاغه. قم: مکتبه آیت الله العظمی المرعشی النجفی (ره).
۴. اساسنامه سازمان تبلیغات اسلامی (۱۳۸۷).
۵. اساسنامه سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸).
۶. آیین نامه ستاد پیشگیری و حفاظت اجتماعی (۱۳۸۳). قوه قضائیه.
۷. بابائی، احسان (۱۳۸۹). «الزامات حقوقی و قانونی اجرائی شدن اصل هشتم قانون اساسی». گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۸. باقرزاده، قاسم (۱۳۹۱). نباید نسبت به کسی که در حال سقوط از هویت انسانی است، بی تفاوت بود. نشریه کیهان فرهنگی، (۳۱۳)، ۳۱۴ و ۳۱۵.
۹. بیانات مقام معظم رهبری، پایگاه حفظ و نشر آثار آیت الله العظمی خامنه‌ای: (www.khameni.ir).
۱۰. جانسون، چالمرز (۱۳۶۳). تحول انقلابی؛ بررسی نظری پدیده انقلاب. ترجمه حمید الیاسی، تهران: امیرکبیر.
۱۱. جایگاه، اهداف و وظایف شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۷۷/۲۰).
۱۲. جعفری، مجتبی و قدرتی، روح‌الله (۱۴۰۲). «ابهامات قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر مصوب ۱۳۹۴». اندیشه‌های حقوق عمومی، (۲)۱۲.
۱۳. جوان آراسته، حسین (۱۴۰۱). «بایسته‌های الگوی مطلوب نظارت عمومی بر حکومت مبتنی بر اصل هشتم قانون اساسی». نشریه مطالعات انقلاب اسلامی، ۱۹ (۷۰).
۱۴. چلبی، مسعود (۱۳۷۹). جامعه‌شناسی نظم. تهران: نشر نی.
۱۵. حر العاملی، محمد بن الحسین (۱۴۰۱ق). وسائل الشیعه؛ منشورات المکتبه الإسلامیه.
۱۶. حکیم، منذر حکیم (۱۴۳۰). مجتمعنا فی فکر و تراث الشہید محمد باقر صدر، طهران: المجموع العالمی للتقریب بین المذاهب الاسلامیه مرکز الدراسات العلمیه.
۱۷. خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸). صحیفه نور، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۸. خیری، حسن (۱۳۹۴). «بررسی جامعه‌شناختی قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر». مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران، (2)6، 2015.58560. Doi: 10.22059/ijsp.
۱۹. راهکارهای اجرایی گسترش فرهنگ عفاف و حجاب (۱۳۸۴). شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۲۰. رجبی، محمود (۱۳۷۸). تاریخ تفکر اجتماعی اسلام، تهران: سمت.
۲۱. زارع، اکبر (۱۳۹۵). «تحلیل حقوقی اصل هشتم قانون اساسی در راستای تحقق منشور حقوق شهروندی». دومین همایش ملی تبیین حقوق شهروندی.
۲۲. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰). شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۲۳. طالب‌کسی، اکبر و اصلانی، فیروز (۱۳۹۴). «بازخوانی مبانی حقوقی امر به معروف و نهی از منکر با نگاهی به حقوق بشر». مجله حقوق اسلامی، ۱۲ (۴۷).
۲۴. عبدالحی، حسین (۱۴۰۱). نگاهی بر قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۲۵. غمامی، محمدمهدی (۱۳۹۶). دایره المعارف حقوق عمومی، انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه السلام).
۲۶. غمامی، محمدمهدی (۱۴۰۱). «چالش‌های نظام نظارتی در حقوق اساسی ایران؛ ضرورت تحول». کیهان فرهنگی، ۴۲۴، ۴۲۵.

۲۷. غمامی، محمد مهدی و محمدی، جواد (۱۳۹۸). «سازوکارهای الزام به اخلاق در قوانین جمهوری اسلامی»، آموزه‌های حقوقی گواه، 5(2)، 2801. Doi: 10.30497/leg.2019.2801.
۲۸. فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله سیوری (۱۳۸۴). کنز العرفان. (ترجمه عبد الرحیم بخشایشی)، قم: انتشارات نوید اسلام.
۲۹. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸).
۳۰. قانون اهداف و وظایف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۶۵/۱۲/۱۲).
۳۱. قانون اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت علوم و تحقیقات و فناوری (۱۳۸۳/۱۸/۵).
۳۲. قانون تسری قانون گزینش معلمان و کارکنان آموزش و پرورش به کارکنان سایر وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی (۱۳۷۵).
۳۳. قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر (۱۳۹۴/۲/۹).
۳۴. قانون رسیدگی به تخلفات اداری (۱۳۷۲).
۳۵. قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲).
۳۶. قانون مدیریت خدمات کشوری (۱۳۸۶).
۳۷. قانون مقررات انتظامی هیأت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی کشور مصوب (۱۳۶۴).
۳۸. قرائتی، محسن (۱۳۹۰). ده درس پیرامون امر به معروف و نهی از منکر. تهران: انتشارات مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۳۹. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۹). فروع من الکافی. قم: کتاب‌فروشی علمیه اسلامیه.
۴۰. کوک، مایکل (۱۳۸۴). امر به معروف و نهی از منکر در اندیشه اسلامی. (ترجمه احمد نمایی)، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۴۱. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴). بحارالانوار. بیروت: مؤسسه الوفاء.
۴۲. مطهری، مرتضی (۱۳۸۶). مجموعه آثار شهید مطهری. تهران: صدرا.
۴۳. الهام، غلامحسین و میرمحمدی، سید مصطفی (۱۳۹۲). «بررسی تداخل مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی با مصوبات مجلس شورای اسلامی، دولت و مجمع تشخیص مصلحت نظام». پژوهشنامه حقوق اسلامی، 14 (37). Doi: 10.30497/law.2013.1492.
۴۴. همایش ملی امر به معروف و نهی از منکر و فرهنگ پذیری، خبرگزاری (isna.ir-). (fa-news,92060200696: http